



کارلوس کاستاندا نماینده رسمی آئین ساحری است

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به این که کارلوس کاستاندا نماینده رسمی آئین ساحری است، خاطرنشان کرد: اما هنگامی که نام وی را با نام استادش ترکیب می کنند، نام جدیدی بدست می آید که برای عرفان ساحری به کار رفته و در کتاب ها و آموزه های او از این آئین با نام «دون کاستاندا» نام برده شده است.

محمدتقی فعالی: کارلوس کاستاندا نماینده رسمی آئین ساحری است

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به این که کارلوس کاستاندا نماینده رسمی آئین ساحری است، خاطرنشان کرد: اما هنگامی که نام وی را با نام استادش ترکیب می کنند، نام جدیدی بدست می آید که برای عرفان ساحری به کار رفته و در کتاب ها و آموزه های او از این آئین با نام «دون کاستاندا« نام برده شده است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش های نوظهور معنوی، در دوازدهمین نشست از سلسله نشست های «آسیب شناسی عرفان های کاذب« که در سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

فعالی با تأکید بر این که مهم ترین بخش عرفان عقاب یا عرفان سرخ پوستی، معنویت و عرفان ساحری است، اظهار کرد: عرفان ساحری نیز مربوط به کشور مکزیک است. این عرفان بر پایه یک استاد و یک شاگرد شکل گرفته است. استاد این عرفان شخصی به نام «دون خوان« است.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: دون خوان چهار شاگرد برجسته داشت، دو زن و دو مرد، اما مهم ترین شاگرد این آئین شخصی به نام «کارلوس کاستاندا« است. البته از دون خوان با این که از نظر زمانی فاصله چندانی با زمان حاضر ندارد، عکسی به دست ما نرسیده است و این مطلب علتی دارد که به آن اشاره خواهد شد.

وی با تأکید بر این که کارلوس کاستاندا نماینده رسمی آئین ساحری است، خاطرنشان کرد: اما هنگامی که نام وی را با نام استادش ترکیب می کنند، نام جدیدی بدست می آید که برای عرفان ساحری به کار رفته است. در کتاب ها و آموزه های ایشان از این آئین با نام «دون کاستاندا« نام برده شده است.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به مدعیات کاستاندا در مورد خود عنوان کرد: کاستاندا خود این گونه بیان می کند که در سال 1935 در منطقه ای از کشور برزیل متولد شده و پدرش ادیب بوده است. وی خود را کاملاً بی علاقه نسبت به معنویت و مقوله های رمزآلود هستی معرفی می کند.

فعالی با اشاره به نشریه و روزنامه غربی مشهور «تحلیل« افزود: این نشریه در گزارشی خاطرنشان می کند که تمام گزارشات کارلوس کاستاندا در رابطه با خود بیان کرده، واقعیت ندارد. این نشریه ادامه می دهد که کاستاندا در سال 1925 میلادی متولد شده و پدرش طلا ساز است و ادیب نیست.

وی ادامه داد: همچنین این نشریه به اثبات می رساند که کاستاندا در پرو چشم بر جهان گشوده، نه در برزیل و به شدت به مقوله های هراس آمیز، رمزآلود و عرفانی علاقه مند بوده است، زیرا گزارشات متعددی از همسرش رسیده که وی اذعان کرده کاستاندا بسیار راجع به مسائل معنوی برای دوستانش و دیگران سخن رانده است.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: کاستاندا در سن شانزده سالگی به ایالات متحده آمریکا سفر می کند و در منطقه لوس آنجلس ساکن می شود. وی پس از گذشت یکی دو سال به منطقه هالیوود سفر می کند و عضو رسمی هالیوود می شود و در سن هجده یا نوزده سالگی اقامت رسمی در کشور آمریکا را دریافت می کند و شهروند رسمی آمریکا می شود.

فعالی با اشاره به این که کاستاندا در دانشگاه کالیفرنیا ادامه تحصیل می دهد و موفق به کسب درجه کارشناسی ارشد می شود، تصریح کرد: وی سپس در صدد بر می آید تا در رشته مردم شناسی در مقطع دکتری ادامه تحصیل دهد. موضوع پایان نامه کاستاندا که نقطه آغاز سخن ما از همین جا خواهد بود، بررسی و تحلیل گیاهان دارویی قاره آمریکا بود که سرآغاز بحث عرفان ساحری همین نقطه است.

وی گفت: کاستاندا خود نقل می کند که برای بررسی گیاهان دارویی به کشور مکزیک - که بزرگ ترین مرکز کشت گیاهان دارویی در

جهان است - مسافرت کردم. در صف اتوبوس بودم که با یکی از دوستان قدیمی مواجه شدم و علت سفرم به کشور مکزیک را به او گفتم. وی نیز مرا با شخصی که در انتهای صف ایستاده بود آشنا کرد و گفت او اطلاعات بسیار وسیعی در رابطه با گیاهان دارویی دارد.

این محقق و پژوهشگر افزود: کاستاندا در بیان ماجرا ادامه می‌دهد که با دوستم نزد آن پیرمرد رفتیم و من از او درخواست کمک کردم، اما وی سخنی نگفت و رفت. از همین‌جا بود که ارتباط من با آن پیرمرد بلند قد، سیاه چرده با موهای مجعد شروع شد و این رابطه به مدت یازده سال ادامه پیدا کرد.

فعالی تصریح کرد: این شخص کسی نبود جز بزرگ جادوگر مکزیک به نام «دون خوان";، کارلوس کاستاندا از سال 1970 تا سال 1981 نزد دون‌خوان آموزش دیده است. حاصل این آموزش‌ها در دوازده کتاب به چاپ رسیده است. کتاب اول با نام «آموزش‌های دون خوان"; و یا «تعلیمات دون خوان"; کتاب دوم با نام «واقعیت جداگانه"; و کتاب سوم با عنوان «سفر به ایختلان"; بارها به چاپ رسیده است.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: کاستاندا یک ماهنامه نیز منتشر کرده است که چهار شماره از آن به مرحله چاپ رسید و هر چهار شماره نیز به فارسی ترجمه شده است. نام ماهنامه وی «آئین جنگاوران"; بود. لازم به ذکر است، مترجم رسمی آثار کاستاندا در ایران خانمی با نام مهران کندری است که خود نیز به شدت شیفته و تحت تأثیر آموزه‌های کاستاندا قرار دارد.

وی با بیان این‌که کاستاندا در سال 1988 به‌علت سرطان کبد از دنیا رفت عنوان کرد: در سال 1377 بزرگداشت باشکوهی به‌مدت یک هفته برای وی در ایران گرفته شد و روزنامه‌های «همشهری و جامعه"; در آن یک هفته پوشش خبری وسیعی نسبت به دو شخصیت دون‌خوان و کارلوس کاستاندا داشتند.

فعالی با اشاره به نام «سالک حیران مغربی"; تأکید کرد: «سالک حیران مغربی"; نامی بود که در هفته بزرگداشت کاستاندا برای وی انتخاب شده بود. در آن هفته آن‌چنان به شخصیت کاستاندا پرداخته شد، به‌گونه‌ای که هر روز بین یک صفحه تا یک صفحه و نیم از این دو روزنامه به کاستاندا اختصاص داشت. لازم به ذکر است که معمولاً اطلاعاتی که روزنامه جامعه در مورد کاستاندا مطرح می‌کرد اشتباه بود.